

دولت و توسعه سیاسی در مالزی

دکتر رضا شیرزادی*

چکیده

مالزی یکی از کشورهای آسیای جنوب شرقی است که روند توسعه اقتصادی-اجتماعی خود را در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، و به طور مشخص از دهه ۱۹۷۰م آغاز کرد. این کشور با بهره‌مندی از مدیریت دقیق اقتصادی، بهره‌گیری از تجربه نسل اول توسعه در این منطقه (ژاپن و کره جنوبی)، سرمایه‌گذاری خارجی و آزادسازی اقتصادی، به سرعت رو به توسعه نهاد و امروزه یکی از کشورهای توسعه یافته مسلمان به شمار می‌رود. در عین حال، سیاست در این کشور، همچون ممالک توسعه یافته، دموکراتیک نیست اما رو به سوی دموکراسی دارد و در حال نزدیک شدن به آن است. نوشتار حاضر به بحث پیرامون چگونگی فرایند توسعه و بخصوص توسعه سیاسی و دموکراسی در این کشور بخصوص در سال‌های نخست وزیری ماهاتیر محمد (۲۰۰۳-۱۹۸۱م) می‌پردازد.

کلید واژه‌ها

مالزی، شرق آسیا، ماهاتیر محمد، توسعه، دموکراسی، صنعتی شدن.

* عضو هیأت علمی و استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

سرزمین مالزی همچون دیگر ممالک جنوب شرقی آسیا تا پایان جنگ جهانی دوم، به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت استعمار کشورهای غربی (انگلستان) و شرقی (ژاپن) بوده است. این سرزمین، نخستین تجربیات خود را در خصوص توسعه، از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز کرد. توسعه در این کشور امری غیر تاریخی است که به مقتضای شرایط داخلی و بین‌المللی در نیمه دوم قرن بیستم صورت پذیرفته است.

مالزی از نظر منابع اولیه طبیعی، کشوری غنی به شمار می‌رود. از منابع مهم این کشور، نفت و گاز طبیعی، کائوچو، روغن نخل، قلع، کاکائو و الوار می‌باشند. از نظر صنعتی نیز در شمار کشورهای تازه صنعتی شده به شمار می‌آید که عمده‌ترین محصولات آن را روغن نخل، کائوچوی طبیعی، تولیدات الکترونیکی، خودرو و دستگاه تهویه مطبوع تشکیل می‌دهند (مسائلی، ۱۳۷۵: ۹۷).

تجربه موفق دو دهه ۸۰-۱۹۷۰ مالزی، مدیریت اقتصادی این کشور را بر آن داشت تا در دهه ۱۹۹۰ به طرح برنامه توسعه اقتصادی ۳۰ ساله‌ای همت گمارد تا در لوای آن تا سال ۲۰۲۰، تبدیل به یک کشور کاملاً صنعتی و پیشرفته شود. این برنامه به برنامه ۲۰۲۰ مالزی معروف شده است.

ماهاتیر محمد (نخست‌وزیر طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۱)، از آغاز تصدی این پست، برنامه‌های اقتصادی کشور را با تکیه بر سیاست نگرش به شرق و الگو قرار دادن ژاپن و کره جنوبی به‌عنوان نمونه‌های موفق از پیشرفت اقتصادی، پی ریزی نمود (ماهاتیر محمد، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۵).

رشد تولید ناخالص داخلی مالزی در سال ۱۹۹۵، ۹/۶ درصد و میانگین آن در دهه منتهی به این سال، ۹ درصد و درآمد سرانه آن در این سال، ۳۵۳۰ دلار آمریکا بود. نرخ تورم این کشور ۳/۵ درصد در سال ۱۹۹۵ و نرخ پس‌انداز ملی، ۳/۴ درصد تولید ناخالص ملی بود که با کشورهای هم‌چون کره جنوبی و ژاپن در رقابت، و حجم بدهی این کشور در حال کاهش قرار داشت. مالزی مقام سیزدهم صادرکنندگان و مقام دوازدهم واردکنندگان جهان را به خود اختصاص داده است. صادرات این کشور به میزان ۷۴/۸ میلیارد دلار آمریکا، و واردات آن ۷۶ میلیارد دلار بوده، و در مجموع در ردیف هفدهمین کشور تجاری جهان است. صادرات تولیدات

صنعتی در حالی که در سال ۱۹۹۰، ۵۲ درصد از مجموع صادرات را تشکیل می داد، در سال ۱۹۹۵ به ۸۰ درصد رسید و سهم بخش کشاورزی در صادرات در سال ۱۹۹۰، ۲۰ درصد بود که در سال ۱۹۹۵ به ۱۱ درصد کاهش یافت. مالزی در سال ۱۹۹۵ با کسری حساب جاری روبرو بود. البته این کسری ناشی از رشد سریع اقتصادی و ضرورت مدرنیزه کردن و توسعه بیشتر تسهیلات زیربنایی واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بود که در مجموع ۸۶ درصد از کل واردات را شامل می شد.

تولید ناخالص داخلی سالانه مالزی در سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ حدود ۲/۹ درصد، میانگین رشد سالانه تولید ناخالص داخلی حدود ۵/۵ درصد، امید به زندگی مردان ۷۲ سال و زنان ۷۷ سال، صادرات (۲۰۰۸) حدود ۲۰۰ میلیارد دلار و واردات (۲۰۰۸) حدود ۱۵۷ میلیارد دلار، جریان های خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (۲۰۰۷) حدود ۸۴۵۶ میلیون دلار، و بدهی خارجی (۲۰۰۷) آن حدود ۵۳۷۱۷ میلیون دلار بود (World Development Report, 2010: 378).

مالزی از نظر سطح توسعه انسانی، رتبه ۶۶ را به عنوان رتبه‌ای بالا دارا می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود جمعیت این کشور در سال ۲۰۲۰، ۳۲ میلیون نفر باشد که ۷۲ درصد آن، شهرنشین هستند (Human Development Report, 2009).

سوال قابل طرح در نوشتار حاضر این است که دلایل توسعه دیر هنگام (سال ۱۹۷۰ به بعد) و زود بازده مالزی (۱۹۹۰ به بعد) چیست و این که روند توسعه سیاسی در این کشور از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ در پاسخ می‌توان اذعان داشت که دلایل موفقیت مالزی در روند توسعه را در مواردی همچون اصلاح ساختار مدیریت توسعه اقتصادی و نظارت دولت، راهبرد توسعه صادرات، خصوصی سازی، سرمایه‌گذاری خارجی و بسیج منابع داخلی، الگو قرار دادن ژاپن و کره جنوبی و تعامل فعال با سایر کشورهای جهان می‌توان جستجو کرد. از سوی دیگر، با توجه به توسعه اقتصادی حاصل شده و نیز رشد طبقه متوسط در این کشور، فرایند توسعه سیاسی و دموکراسی به‌عنوان عامل تداوم بخش توسعه اقتصادی، در حال تعمیق و گسترش می‌باشد.

گفتار اول: ویژگی‌های عمومی

کشور مالزی با ۳۲۹،۷۵۸ کیلومتر مربع مساحت از دو بخش یعنی شبه جزیره مالزی (مالزی غربی) و مالزی شرقی (دو ایالت صباح و ساراواک) تشکیل یافته است. جمعیت این کشور، نژادهای گوناگون با فرهنگ و مذاهب کاملاً متمایز شامل مالایو و دیگر نژادهای بومی (۵۹ درصد)، چینی (۳۲/۱ درصد)، هندی (۸/۲ درصد) را در بر می‌گیرد (جعفری، ۱۳۸۴: ۳۳۹).

شکل‌گیری مالزی به صورت یک کشور مستقل، شبیه اندونزی است، یعنی وضعیت کنونی و تعیین مرزهای جغرافیایی آن، به دوره استعمار غرب باز می‌گردد. در گذشته، مالزی جزئی از سرزمین بزرگ اندونزی-مالی بود (شاهنده، ۱۳۷۴: ۵۹).

بر اساس گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۱۰، جمعیت مالزی ۲۷ میلیون نفر، میانگین رشد سالانه آن طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۰، ۱/۹ درصد، و میزان با سوادان آن بیش از ۹۰ درصد جمعیت اعلام شده است (World Development Report, 2010: 378).

در سال ۲۰۰۶، تنها حدود ۴ درصد مردم زیر خط فقر (در مقایسه با ۲۰ درصد در ایران در همان سال) با نرخ تورم سالانه ۲ درصدی (برای ایران تقریباً ۱۹ درصد) و نرخ بیکاری ۳ درصدی (در ایران در همان سال ۲۱ درصد) سالانه از دیگر نشانه‌های سلامت اقتصاد این کشور به شمار می‌رود. درآمد سرانه مالزی برای هر نفر در سال ۲۰۰۷ معادل ۱۲۹۰۰ دلار آمریکا و طبق پیش‌بینی سازمان‌های اقتصادی معتبر در سال ۲۰۲۰ معادل ۲۳۰۰۰ دلار آمریکا خواهد بود (نزدیک به درآمد سرانه سوئیس در سال ۲۰۰۲ میلادی). رشد اقتصادی بالای این کشور در سال‌های اخیر باعث پیشرفت سریع تکنولوژیکی و فرهنگی گردیده است و در حال حاضر این کشور به‌عنوان اولین کشور پیشرفته اسلامی و هفدهمین کشور پیشرفته جهان مطرح می‌باشد (برادران شرکاء، ۱۳۸۸: ۱۷۳-۱۷۲).

ترکیب جمعیتی مالزی جوان است، طوری که ۳۳/۳ درصد زیر ۱۵ سال و حدود ۳۱ درصد بین ۱۵ الی ۳۰ سال سن دارند و افق توسعه سال ۲۰۲۰، متکی بر نیروهای جوان و تربیت آنان بر مبنای ارزش‌های توسعه ملی مبتنی بر اخلاق، شامل: مذهب، آداب و رسوم و سنت‌های ملی و... است. در این راستا، ارزش‌های اجتماعی همچون سخت‌کوشی، امانت‌داری، صرفه‌جویی و

احترام به قوانین و حقوق دیگران پشتوانه توسعه و پشت کار در جهت پررنگ‌تر شدن ارزش‌های دینی خواهد بود. بستر این کار هم آموزش و پرورش است. دولت مردان مالزی به دنبال تربیت شهروندان فرهیخته، دین باور، قانونمند، درستکار، اخلاقی و مفید برای جامعه هستند (همان، ۱۷۲).

زبان رسمی مالزی، بهاسا مالزیا^۱ بوده، هر چند انگلیسی نیز رواج فراوان دارد و نژادهای چینی و هندی و قبایل بومی در دو ایالت صباح و ساراواک به زبان‌های خاص خود تکلم می‌کنند.

دین رسمی مالزی، اسلام است و دیگر مذاهب نیز بر اساس تأکید قانون اساسی، آزادی کامل دارند. درصد پیروان مذاهب در مالزی بر پیوستگی مشهود نژاد و مذهب دلالت می‌کند: مسلمانان ۵۳ درصد، بودیسم ۱۷/۳ درصد، کنفوسیوئیسم و تائوئیسم ۱/۶ درصد، هندوئیسم ۷ درصد، و پیروان مسیحیت ۸/۶ درصد جمعیت مالزی را تشکیل می‌دهند.

مالزی در سال ۱۹۵۷ در دایره کشورهای مشترک المنافع به استقلال رسید و تنکو عبدالرحمن به‌عنوان اولین نخست وزیر برگزیده شد. در سال ۱۹۶۳، صباح و ساراواک به فدراسیون مالزی ملحق شدند ولی دو سال بعد، جدا شدن جزیره سنگاپور و تبدیل شدن آن به کشوری مستقل، بر احساسات ناسیونالیستی مسلمانان مالایو تأثیری جدی بر جای گذاشت.

از نظر ساختار سیاسی، مالزی کشوری پادشاهی است که حکومتی پارلمنتاریستی دارد. رئیس حزب یا رئیس ائتلاف برنده در انتخابات، رئیس دولت است و قدرت اصلی را در دست دارد. پادشاه و سلاطین ایالتی، مقاماتی تشریفاتی و دارای اختیارات بسیار محدود و مشخص هستند. از میان احزاب ائتلافی حاکم، عمده‌ترین آنها حزب آمنو (سازمان ملی مالایوهای متحد)، انجمن چینی‌های مالزی، و کنگره هندی‌های مالزی می‌باشند که ائتلاف حاکم و در واقع حزب آمنو، تسلط و کنترل کامل در رهبری و هدایت امور را به دست دارد.

تعداد نمایندگان مجلس فدرال ۱۹۲ نفر است و اعضای کابینه لازم است نماینده یکی از دو مجلس باشند. دوره نمایندگی مجلس فدرال ۵ سال است. مجلس سنا با ۶۹ عضو (۴۳ نفر از

طرف پادشاه، ۲۶ نفر از جانب مجالس ایالت‌ها) بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و دوره نمایندگی آن ۶ سال است (مسائلی، ۱۳۷۵: ۲۳۰-۱۷۵).

گفتار دوم: تحولات سیاسی

شبه جزیره مالایا و بخش شمالی جزیره بورنئو (ایالت‌های ساراواک و صباح) در آغاز به وسیله بومیان جنگل نشین مسکون گردید. در هزاره دوم قبل از میلاد، مهاجرت گروهی از چینی‌ها از چین جنوبی به شبه جزیره مالایا و نواحی مالزی و اندونزی و فیلیپین امروزی آغاز شد. آنان به ترویج فلزکاری و کشاورزی پرداختند و نفوذ هندیان هم به رواج باورهای مذهبی هندی و سازماندهی سیاسی و ترویج زبان سانسکریت انجامید. در سده اول میلادی، دولت پادشاهی فونان که به شدت تحت تأثیر فرهنگ هندی قرار داشت، در دره رود مکونگ تأسیس گردید. آغاز داد و ستد با چین به پیدایش بندرمالاکا در سده پانزدهم میلادی منجر شد و فرمانروایان آن، نخستین کسانی بودند که در آن منطقه به ترویج آئین اسلام پرداختند و داد و ستد با بازرگانان مسلمان موجب رونق اقتصادی بازارهای مالاکا و مالزی و اندونزی امروز گردید و آئین بودا به مرور جای خود را به مذهب اسلام داد.

سرزمین مالزی در قرن هجدهم میلادی به تحت‌الحمایگی انگلیس درآمد و تا سال ۱۹۴۱م انگلیسی‌ها نظارت بر امور آن را به عهده داشتند. در همین سال که ژاپن به انگلستان اعلان جنگ داد، مالزی به تصرف ژاپنی‌ها درآمد. با شکست ژاپنی‌ها در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵م، انگلیس بار دیگر به مالایا بازگشت. در طول جنگ، انگلیسی‌ها طرحی برای ایجاد اتحادیه مالایا بعد از خروج ژاپنی‌ها تدارک دیده بودند که در واقع نوعی ایجاد تمرکز از طریق اعلام وفاداری مردم به فرماندار سلطنتی انگلیس به جای بیعت با سلاطین محلی بود. طرح اتحادیه مالایا با مخالفت مالایوها روبرو شد. رهبری این مخالفت با حزب آمنو^۱ بود که توسط داتوعون جعفر، در ۱۹۲۶م بنیان گذاشته شده بود. ماه‌ها کشمکش میان انگلیس و رهبران محلی منجر به کنار گذاردن طرح دولت مرکزی شد و در اوایل فوریه ۱۹۴۸م طرح فدراسیون مالایا شامل ۹ ایالت مالایو، پنانگ و مالاکا به مرحله اجرا درآمد که در رأس آن یک کمیسر

1- UMNO

عالی انگلیس به‌عنوان نماینده انگلیس و سلاطین مالایو قرار داشت که یک شورای مشورتی اجرایی و یک شورای قانون‌گذاری، وی را یاری می‌کردند.

انگلیس در سال ۱۹۴۸م قول داده بود که به فدراسیون مالایا خود مختاری اعطا کند. در ۲۱ اوت ۱۹۵۷م فدراسیون مالایا شامل ۹ ایالت شبه جزیره، مالاکا و پنانگ به استقلال دست یافت. در سال ۱۹۶۱م تنکو عبدالرحمن نخست وزیر مالزی در سخنرانی خود در دانشگاه سنگاپور، فکر تشکیل فدراسیون گسترده غربی را که علاوه بر شبه جزیره مالایا شامل سنگاپور و ایالت برونئو (از جمله برونئی) می‌شد، مطرح کرد. پیشنهاد وی عکس‌العمل‌های متفاوتی را به دنبال داشت. انگلیس از این طرح حمایت نمود زیرا معتقد بود کشور-شهر سنگاپور و دیگر مناطق تحت الحمايه انگلیس همچون ساراواک و صباح بعد از خروج انگلیس، از نظر اقتصادی و سیاسی قادر به ایستادن بر روی پای خود نیستند. در مالایا و سنگاپور نیز از این پیشنهاد به‌طور گسترده‌ای استقبال شد اما بلافاصله مخالفت‌هایی از جانب فیلیپین مطرح شد که نسبت به برونئوی شمالی (صبح) ادعا داشت. همچنین در اندونزی، هم سوکارنو و هم حزب پرقدردت کمونیست این کشور، این پیشنهاد را یک توطئه از سوی استعمار نو خواندند. در همان زمان، تنکو عبدالرحمن مذاکرات با انگلیس را جهت تشکیل فدراسیون مالزی ادامه داد و در ۹ ژوئیه ۱۹۶۲م موافقت نامه‌ای را با انگلیس به امضاء رساند که در آن، روز ۲۱ اوت ۱۹۶۳م به‌عنوان زمان تشکیل فدراسیون مالزی تعیین شده بود. فدراسیون مزبور در تاریخ مقرر تشکیل شد اما برونئی در آخرین لحظات از پیوستن به فدراسیون اجتناب کرد، سنگاپور هم در نهایت در سال ۱۹۶۵ از فدراسیون خارج شد و در ۹ اوت سال ۱۹۶۵م یک کشور مستقل گردید.

از زمان استقلال مالزی، ایجاد هماهنگی نژادی همواره یکی از مسائل مهم در این کشور بوده که از نظر رهبران یک کشور، ایجاد ائتلاف و تشکیل جبهه ملی، پاسخی به این امر بوده است (جعفری، ۱۳۸۴: ۴۱۰).

تنکو عبدالرحمن مشهور به پدر استقلال مالزی برای سه دوره سمت نخست وزیر را در این کشور به عهده داشته است. وی در ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۷۰م رسماً استعفای خود را تسلیم پادشاه کرد و تون عبدالرزاق مشهور به پدر توسعه مالزی جانشین او شد. نخست وزیران بعدی به ترتیب تون حسین عون مشهور به پدر اتحاد مالزی از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱، ماهاتیر محمد مشهور به پدر مدرنیته و معمار نوین مالزی مدرن از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳، تون محمد عبدالله بداوی مشهور

به پدر توسعه و سرمایه‌گذاری از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ و نجیب تون رزاق که از ۲۰۰۹ میلادی این سمت را به عهده داشته است.

مالزی همواره در برخی از ارگان‌های بین‌المللی فعال بوده و تحت رهبری ماهاتیر محمد، این کشور در مورد شماری از مسائل بین‌المللی مواضع بسیار صریحی اختیار کرد. همچنین ماهاتیر به خاطر بی‌اعتنایی‌اش نسبت به انتقادهایی که از پیشینه دولت‌اش در زمینه حقوق بشر می‌شد و آمادگی‌اش برای انتقاد از پیامدهای آزادی مطبوعات و سایر شیوه‌های بازتر دموکراتیک که در آمریکا و اروپا رایج است، مورد توجه بود. در جبهه اقتصادی، وی بسیاری از ابتکارات بین‌المللی در زمینه حقوق اصناف تجاری و حفظ محیط زیست را اقداماتی می‌دانست که کشورهای غنی و توسعه یافته برای جلوگیری از توسعه کشورهای تازه صنعتی شده، وضع کرده‌اند. اما واکنش‌های مالزی کاملاً منفی هم نبوده است. برای نمونه در کنفرانس جهانی توسعه و محیط‌زیست در ژوئن سال ۱۹۹۲ در ریو دو ژانیرو (برزیل) و همچنین در سازمان بین‌المللی چوب و الوار استوایی، هیأت اعزامی مالزی پیشنهادهای ارائه دادند ناظر به این که کشورهای مصرف‌کننده (یعنی کشورهای ثروتمند صنعتی) اعتبارات مالی لازم برای حفاظت جنگل‌ها و کاشت مجدد جنگل در کشورهای فقیر صادرکننده چوب و الوار را تأمین کنند و همچنین تجارت الوار در کشورهای استوایی و معتدل تحت نظارت قرار گیرد.

ماهاتیر محمد در دوران نخست وزیری‌اش معتقد بود: «ما می‌توانیم از طریق برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی به پیشرفت‌های مادی قابل ملاحظه‌ای دست یابیم. ولی حقیقت خشک و خشن موجود این است که تمام ثروت‌های مادی که ما انباشته‌ایم، ممکن است به یکباره از دست برود. اگر نتوانیم مجموعه‌ای از ارزش‌های معنوی و اخلاقی را به میان مردمی که باید این ثروت‌ها را اداره کنند، بکشانیم و به ذهن و فکر و رفتارهای آنها منتقل سازیم» (نیزبیت، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

مالزی همچنین دست به ابتکارات منطقه‌ای مهمی زده است. این کشور یکی از کشورهای بنیان‌گذار و عضو «انجمن ملل جنوب شرقی آسیا» یا «آسه‌آن» بوده است که اکنون اندونزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، برونئی، ویتنام و مالزی را در بر می‌گیرد و این نهاد را به‌صورت ابزار مهمی برای جهت‌گیری منطقه‌ای در مورد مسائل بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات و افزایش بازرگانی درون منطقه‌ای و توسعه درآورده است. مالزی همچنین عضو اتحادیه

گسترده‌تر و نامنسجم‌تر «همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه» یا «آپک» است که استرالیا، زلاندنو و کشورهای آمریکایی واقع در حاشیه اقیانوسیه و شرق آسیا را در بر می‌گیرد. آمریکا و استرالیا در تلاش هستند تا انسجام این نهاد را افزایش دهند و به‌ویژه تجارت آزاد را در میان همه اعضای آن ایجاد کنند. مالزی برجسته‌ترین و بعضاً تنها مخالف آنها بوده است.

با وجود آن که پایان گرفتن جنگ سرد، آمادگی آمریکا را برای حفظ تعادل قدرت در آسیا کاهش داده، بودجه دفاعی مالزی در حال افزایش است. طی ششمین برنامه عمرانی مالزی (سال ۱۹۹۵)، هزینه توسعه اقلام دفاعی چهار برابر شد و به ۲/۴ میلیارد دلار (معادل ۶ میلیارد دلار مالزی) بالغ گردید. دولت بودجه سالانه دفاعی را تا سال‌های پایانی دهه نخست هزاره سوم از ۲/۵ درصد تولید ناخالص ملی به ۶ درصد افزایش داد. با توجه به دورنمای رشد اقتصادی، این رقم به حداقل افزایش معادل چهار برابر به صورت واقعی نسبت به سطوح سال ۱۹۹۳ بالغ شد. یک برنامه راهبردی ۱۵ ساله، نیروهای نظامی مالزی را که در حال حاضر عمدتاً محدود به ایفای نقش ضد شورش می‌باشند، به نیرویی دارای قابلیت کامل برای دفع تهدیدات خارجی تبدیل خواهد کرد. با توجه به این برنامه، مالزی ناوگانی متشکل از ۲۸ فروند هواپیمای انگلیسی هاوک و ۱۸ فروند هواپیمای جنگنده میگ-۲۹ روسی فراهم آورده است. همچنین مناقصه‌هایی برای خرید انواع شناورها از جمله زیردریایی اعلام کرده است.

دولت اصرار دارد که عمده قدرت نظامی صرفاً برای مقاصد دفاعی به کار خواهد رفت اما این افزایش قدرت نظامی برای مقابله با خطرات ناشی از اختلافات سرزمینی که اکنون نقاط عمده خطر آفرین در منطقه به شمار می‌آیند، ضروری است. مالزی درگیر شماری از اختلافات سرزمینی است که عبارتند از: اختلافات با اندونزی بر سر دو جزیره سیپادان و لیگیتان که در کناره ساحل ساراواک قرار دارد و مالزی می‌خواهد آن را به‌صورت یک مرکز جهانگردی درآورد، اختلاف با سنگاپور بر سر جزیره باتوپوتی، اختلاف با برونئی بر سر مجموعه جزایر لیمنبانگ، اختلاف با تایلند بر سر تعیین و علامت‌گذاری مرز مشترک زمینی میان دو کشور، اختلاف با فیلیپین بر سر ادعای تاریخی این کشور نسبت به جزیره صباح.

همگی این اختلافات کم‌اهمیت‌اند و طرف‌های درگیر ابراز علاقه کرده‌اند که اختلاف بر سر سیپادان و لیگیتان و باتوپوتی را با ارجاع آنها به دادگاه بین‌المللی لاهه حل و فصل کنند. ادعای ارضی مالزی نسبت به برخی از جزایر اسپراتلی به‌طور بالقوه مشکل آفرین‌تر است. سایر

مدعیان نسبت به جزایر مذکور عبارتند از: چین، تایوان و ویتنام (که مدعی مالکیت همه این گروه از جزایر است). این جزایر به خودی خود اهمیت چندانی ندارند اما مالکیت آنها به مالک آن امکان می‌دهد که مدعی منطقه اقتصادی وسیعی شود که بخش‌هایی از دریای جنوب چین را که گمان می‌رود دارای منابع غنی نفت و گاز و سایر منابع باشد، شامل می‌شود و همچنین کنترل راه‌های آبی استراتژیکی را که ژاپن و خاورمیانه را به یکدیگر وصل می‌کنند، به دست آورد (مسائلی، ۱۳۷۵: ۲۷۷-۲۵۷).

گفتار سوم: تحولات اقتصادی

الف) برنامه‌های توسعه

مالزی تا پیش از سال ۱۹۷۰، کشوری فقیر محسوب می‌شد و بیش از ۴۹ درصد مردم در فقر مطلق به سر می‌بردند. این کشور در آن زمان، به طور عمده مواد خام و کشاورزی شامل قلع، نفت، کائوچو، و روغن نخل تولید می‌کرد. درآمد سرانه‌اش در زمان استقلال حدود ۲۵۰ دلار و سهم تولیدات صنعتی در صادرات اش، ناچیز و در حد ۱۳ درصد بود (فیضی، ۱۳۸۷: ۵۳۹).

مالزی طی سه دهه اخیر به گونه‌ای شتابان، صنعتی شده است و از کشوری که به تولید طیف وسیعی از مواد خام معدنی و تولیدات کشاورزی صادراتی (روی، لاستیک طبیعی، الوار و چوب‌های استوایی، برخی مواد کانی و تولیدات کشاورزی) متکی بود، به کشوری تبدیل شد که صنایع تولیدی نقش مسلط را در اقتصاد آن ایفا می‌نمایند. با وجود آن که در سال ۱۹۸۶، کشاورزی و تولید کارخانه‌ای سهمی تقریباً مساوی در تولید ناخالص داخلی داشتند، از سال ۱۹۹۴، تولید کارخانه‌ای اهمیتی دو برابر کشاورزی پیدا کرد.

بر اساس آمارهای سال‌های اخیر، صادرات مالزی ۱۱۸/۶ میلیارد دلار و واردات آن ۹۶/۸ میلیارد دلار است. مالزی در رتبه‌بندی شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۷، با کسب ۶۵/۸۵ امتیاز در رتبه ۴۸ قرار دارد. در بین ۳۰ کشور جنوب شرق آسیا، جایگاه هشتم و در بین ۱۰۲ کشور در حال توسعه، رتبه ۱۵ را دارد (همان، ۵۵۹).

در دوره پیش از سال ۱۹۷۰، تأکید بر توسعه اقتصادی و روستایی با هدف رشد بازار صادرات بود. در این دوره تلاش شد تا، هم زیر ساخت‌های فیزیکی و هم زیر ساخت‌های

اجتماعی ایجاد شوند. همچنین سیاست‌ها در جهت افزایش تولید هدایت شد. علاوه بر این، اقدامات اندکی در جهت تشویق فعالیت‌های صنعتی برای تولید کالاهای سبک برای کاهش واردات و اشتغال زایی صورت گرفت.

پس از این دوره، در مالزی از چهار ابزار برنامه‌ریزی استفاده شد که هر یک دارای افق متفاوتی بودند. این چهار ابزار عبارتند از:

- ۱- برنامه چشم انداز، که جنبه دراز مدت دارد؛
- ۲- برنامه پنج ساله توسعه، که برنامه ای میان مدت به شمار می‌رود؛
- ۳- ارزیابی نیمه اول برنامه پنج ساله؛
- ۴- بودجه سالانه.

تمام این ابزارها در قالب برنامه «چشم انداز ۲۰۲۰» هدایت می‌شوند (شرکاء، ۱۳۸۸: ۱۶۷).

از سال ۱۹۷۰، سه برنامه بلندمدت توسعه در مالزی به اجرا درآمده است:

۱- سیاست نوین اقتصادی طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۰. هدف این سیاست زدودن فقر، هماهنگی اقتصادی میان اقوام، توسعه اقتصادی بر اساس الگوی جایگزینی واردات، و صنعتی شدن در پنج سال آخر برنامه بود. در سال ۱۹۷۶ پس از یک برنامه پنج ساله، میزان فقر از ۴۹/۳ درصد به ۳۵/۱ درصد کاهش یافت (موسوی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

برای دستیابی به اهداف این سیاست، بخش دولتی نقش محوری و فعال در اقتصاد ایفا می‌کرد، در حالی که بخش خصوصی تشویق شد تا به‌عنوان موتور رشد، ایفای نقش نماید. همچنین قرار بر این شد که تغییرات ساختاری در اقتصاد به وجود آید تا آسیب پذیری در برابر نوسانات خارجی کاهش یابد.

۲- سیاست نوین توسعه طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۱. هدف این سیاست، سپردن ۳۰ درصد از کل فعالیت‌های اقتصادی به بومیان و نیز شتاب بخشی به توسعه بود. در این سیاست به جای تکیه بر فناوری کاربر، بر فناوری سرمایه بر و ساخت کالا تأکید شد. همچنین از اهداف این سیاست، ایجاد زیر ساخت‌هایی برای رسیدن به افق ۲۰۲۰ بود (فیضی، ۱۳۸۷: ۵۴۲).

۳- چشم‌انداز سی ساله یا چشم انداز ۲۰۲۰ طی سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۹۱. بر اساس این برنامه، مالزی در سال ۲۰۲۰ به یک کشور صنعتی درجه یک در سطح جهان تبدیل می‌شود، یعنی

کشوری کاملاً توسعه یافته از لحاظ اقتصادی، عدالت اجتماعی، ثبات سیاسی، نظام حکومتی، کیفیت زندگی، ارزش‌های اجتماعی و معنوی، غرور ملی و استواری (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۵۴). بنابراین، چشم انداز ۲۰۲۰ براساس «توسعه جامع» بنا شد. براساس این شعار، دولت و کشور باید پایبند به توسعه انسانی جهت افزایش کیفیت و استانداردهای زندگی مردم تا سطح ملتهای توسعه یافته باشند (برادران شرکاء، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۶۸).

ب) خصوصی‌سازی

مالزی درس خصوصی‌سازی را بهتر از دیگران فرا گرفت. این کشور هم اکنون سالانه در حدود ۲۴ میلیارد دلار به سبب خصوصی‌سازی، پس انداز می‌کند. بنابراین، پس‌اندازها در اثر افزایش مالیات یا کندشدن توسعه کشور پدید نمی‌آید، بلکه حاصل خصوصی شدن ۱۲۰ نوع فعالیت دولتی در دوره پس از سال ۱۹۸۲ است. مالزی به اثبات رسانده که خصوصی‌سازی موثر است. در محافل اقتصاد بین‌المللی، برنامه خصوصی‌سازی مالزی را یکی از موفق‌ترین برنامه‌های خصوصی‌سازی در جهان می‌دانند. دولت مالزی هم بیش از ۲ میلیارد دلار در سال، از بابت پرداخت حقوق‌ها و مستمری‌ها صرفه‌جویی داشته است. علاوه بر این، تصمیم دولت مبنی بر واگذاری سازمان‌ها و بنگاه‌های تولیدی و خدمات دولتی به بخش خصوصی، تأثیر عظیمی بر رشد و کارآیی اقتصادی داشته و هیچ نوع بیکاری قابل توجهی هم به بار نیاورده است. معمار خصوصی‌سازی در مالزی، ماهاتیر محمد بوده است. زمامداران پیش از او بر این اعتقاد پای می‌فشردند که منافع اقتصاد ملی کشور، به‌ویژه منافع گروه‌های قومی مالایایی، فقط زیر نظارت دولت محفوظ خواهد ماند. ماهاتیر با سپردن بخش مهمی از فرصت‌های خصوصی‌سازی به بومی پوتراها (بومیان مالزی)، نشان داد که آنها در اشتباه بوده‌اند (نیزبیت، ۱۳۸۵: ۱۹۷-۱۹۵). خصوصی‌سازی در مالزی در اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و انگیزه مهم آن، کاهش هزینه‌های

سنگین دولتی و بدهی‌های دولت بود. خصوصی‌سازی به چند روش صورت گرفت:

- ۱- واگذاری سهام دولتی به بخش خصوصی شامل انتقال سرمایه، نیروی انسانی، و مدیریت؛
- ۲- فروش سرمایه که این هم می‌توانست شامل جا به جا نمودن سرمایه، نیروی انسانی و مدیریت باشد؛

۳- اجاره اموال دولتی که به اجاره کننده اجازه داده می‌شود برای موارد مشخص با اجازه معین، از اموال دولتی برای مدت زمان محدود بهره‌برداری نماید که این به دو دلیل انجام می‌شود: یکی به خاطر استراتژیک بودن برخی منابع، و دوم به دلیل هزینه بالای آن برای بخش خصوصی که توان تحمل آن را ندارد مانند بنادر، فرودگاه‌ها یا موسسات آموزشی و بزرگراه‌ها (موسوی، ۱۳۷۸: ۳۳).

ج) سرمایه‌گذاری خارجی

از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در مالزی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. پس از درگیری‌های سال ۱۹۶۹ میلادی، دولت به منظور توسعه پر شتاب کشور همراه با زدودن فقر و بیکاری، به جریان‌های سرمایه‌گذاری و به‌ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار توجه کرد و در این راه، امتیازات و معافیت‌های قابل ملاحظه‌ای ارائه داد. در نتیجه سیاست نگاه به شرق ماهاتیر محمد و نیز نگرش منطقه‌گرایی مالزی، سرمایه‌گذاران خارجی در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ میلادی، در مرتبه نخست، ژاپنی‌ها بودند که میزان سرمایه‌گذاری آنها از ۲۶۴ میلیون دلار در سال ۱۹۶۵ به ۴/۲۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ رسید. تایوانی‌ها پس از ژاپنی‌ها بیشترین سهم سرمایه‌گذاری را در این سال‌ها در مالزی داشته‌اند که از میزان ناچیز ۳۲ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ به رقم شگفت‌آور ۶/۳۳۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ افزایش یافت. امروزه، مهم‌ترین عامل محرک اقتصادی مالزی، سرمایه خارجی است. اکنون بیش از سه هزار شرکت خارجی در مالزی فعالیت می‌کنند که از بیش از ۴۰ کشور هستند (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

یکی از انگیزه‌های سرمایه‌گذاران خارجی در مالزی، پایین بودن هزینه‌های داخلی از جمله هزینه‌های نیروی کار است و در این راستا، دولت مبارزه علیه تورم را پیگیری می‌کند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ بازار بورس سهام کوالالامپور هدفی طبیعی برای مدیران خارجی سرمایه بود که مایل بودند در بازارهای نوپا، سهام خریداری کنند زیرا مالزی از ثبات سیاسی، پول ملی نیرومند و شالوده‌های استوار اقتصادی همچون بدهی‌های اندک، رشد شتابان، و تورم متوسط و پایین برخوردار بود.

علاوه بر اینها، زیر بنای نسبتاً توسعه یافته و نیروی کار تحصیلکرده مالزی نیز در جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این کشور موثر بود، که این امر موجب کاهش نیاز به وام گرفتن از خارج شد و دیگر برای تأمین اعتبارات سرمایه‌گذاری، نیاز چندانی به پس اندازهای داخلی نیست. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنین موجب ساده شدن فرآیند ورود به بازارهای تازه شد زیرا در اکثر موارد، بازاریابی برای تولیدات خطوط جدید تولید در مالزی، در شبکه جهانی تولید شرکت‌های سرمایه‌گذار ادغام شده است. مالزی در دو دهه گذشته بالاترین نرخ جذب سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران خارجی را نسبت به دیگر کشورهای منطقه، از آن خود کرده است.

د) صنعتی شدن

سیاست صنعتی شدن مالزی از سال ۱۹۶۵ و در پاسخ به کاهش رشد صنعتی و جدایی سنگاپور صنعتی شده، در پیش گرفته شد. در سال ۱۹۷۰ در خلال سیاست اقتصادی نوین، رویه صنعتی بیشتر به سود شرکت‌های دولتی بود. در واقع، دولت به دنبال صنایع کاربر و ایجاد اشتغال بود و سیاست‌های صنعتی آن از لحاظ اقتصادی هنوز برای بخش خصوصی جذابیت نداشت. در دهه ۱۹۸۰، سیاست صنعتی مالزی به تدریج دگرگون شد و دولتمردان این کشور گرایش به آن پیدا کردند که رشد اقتصادی را از طریق صادرات صنعتی افزایش دهند. ماهاتیر محمد؛ ژاپن و کره جنوبی را به‌عنوان الگوی صنعتی در نظر گرفت. طرح صنعتی دوم مالزی در چارچوب سیاست نوین توسعه، از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ به اجرا درآمد. در چارچوب سیاست نوین اقتصادی، گسترش صنایع و فناوری کاربر مورد توجه قرار گرفت و در خلال سیاست نوین توسعه، گسترش صنایع الکترونیک و الکترونیک اهمیت یافت که معمولاً سرمایه بر است. از زمان طرح دوم صنعتی شدن، بیش از ۲۰۰ مرکز توسعه صنعتی و ۱۲ بندر آزاد و چندین پارک صنعتی فناوری در مالزی فعالیت دارند که به پیشرفته‌ترین ابزار روز مجهز و همه گونه ابزار تحقیقاتی و آزمایشگاهی در آنها وجود دارد (موسوی، ۱۳۷۸: ۷۲).

مالزی در اواسط دهه هشتاد دچار کسادی کوتاه مدتی شد اما از آن زمان تاکنون به‌طور مستمر از رشد سریع برخوردار بوده است. موتور اصلی توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری در صنایع

تولیدی معطوف به صادرات و رشد سریع درآمدهای صادراتی حاصل از این صنایع بوده است. مالزی توانسته است از گرایش رایج میان شرکت‌های کشورهای توسعه یافته مبنی بر انتقال برخی از خطوط تولید خود به مناطق کم هزینه و با استفاده از تکنولوژی نیمه پیشرفته، به سود خود بهره جوید.

تورم ناچیز، پول ملی نیرومند و مدیریت اقتصادی محتاطانه، ملازمان مهم سیاست صنعتی بوده‌اند که در این موفقیت‌ها اهمیتی محوری داشته‌اند. رشد تولید صنعتی، هم برای تأمین اعتبارات لازم و هم برای به‌دست آوردن فن‌آوری، به شدت متکی به جلب سرمایه‌گذاری بوده است.

ه) توسعه صادرات

در دهه ۱۹۷۰، مالزی رویه چهاربیر آسیا (کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، هنگ کنگ) را در پیش گرفت و تلاش کرد تا از وابستگی به استخراج معادن و کشاورزی، به اقتصادی تبدیل شود که بیشتر به صنعت وابسته است. با سرمایه‌گذاری ژاپن در طول چند سال، صنایع سنگین آن شکوفا و صادرات مالزی به‌موتور اولیه رشد کشور تبدیل شد. مالزی پیوسته به رشد بیش از ۷ درصد در تولید ناخالص ملی در کنار تورمی اندک در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دست یافت (برادران شرکاء، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

مالزی در بازار برخی مواد خام، نقش درجه یک را دارد. این کشور هنوز یکی از منابع مهم روی و لاستیک است و بیش از نیمی از روغن نخل جهان را تولید می‌کند. در طیف مواد خام اولیه، درآمد حاصل از اقلام نسبتاً جدید یعنی روغن نخل، الوار و نفت و گاز هم اکنون غالب‌اند و تولیدات کارخانه‌ای، یک سوم تولید ناخالص داخلی و قریب ۸۰ درصد درآمدهای ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند. کالاهای الکترونیک به تنهایی مهمترین کالاهای کارخانه‌ای به شمار می‌آیند که از بالاترین رشد برخوردار هستند. مالزی اینک در این بخش دارای جایگاه بین‌المللی قابل ملاحظه‌ای است، اما تولید به شدت متکی به قطعات وارداتی است که در بعضی موارد تا ۸۰ درصد ارزش صادرات را شامل می‌شود. دولت هم اکنون توجه خود را به بالا بردن محتوای داخلی تولیدات معطوف داشته است.

و) مدیریت و تصمیم‌گیری‌های دولت

شاید اولین و مهمترین عامل توسعه در مالزی، مدیریت و تصمیم‌گیری‌های دولت باشد. به درستی دولت مالزی به‌عنوان یک دولت توسعه‌گرا نقشی قاطع در نظارت بر روند توسعه این کشور به عهده داشته است. از این رو امروزه مالزی از اندونزی پیش افتاده است و علت آن هم کیفیت بهتر تصمیم‌گیری‌های دولت و مشارکت یک بخش خصوصی رقابت‌پذیر است (نیزبیت، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

در خصوص اصول مدیریت اقتصادی تقریباً بین تصمیم‌گیران مالزی اتفاق نظر وجود دارد و از اواخر دهه ۱۹۸۰ پیوسته نرخ رشد بالای ۸ درصد حاصل شده است که حتی بالاتر از اهداف نرخ رشد تعیین شده در برنامه‌های عمرانی پنجساله که رشد مداومی معادل ۷/۵ درصد را پیش‌بینی کرده‌اند، می‌باشد.

در سال ۱۹۹۳ جریان‌های سرمایه، هم قیمت‌های سهام بازار بورس کوالالامپور و هم ارزش بین‌المللی رینگیت را بالا برد که این به نوبه خود موجب معاملات سوداگرانه ارزی شد. دولت تلاش داشت تورم را از طریق خط مشی‌های پولی، مالیاتی و صنعتی کنترل نماید و همچنین برای نظارت و کنترل قیمت‌ها، مستقیماً مداخله کند. بانک نگارا (بانک مرکزی مالزی) به‌علل پولی فشار تورمی توجه خاص دارد و چنانکه در سال ۱۹۹۴ نشان داد، حاضر است هر گاه ضرورت پیدا کند، از اختیارات خود در زمینه کنترل ارز استفاده نماید. علاوه بر این، دولت موضع مالیاتی کم و بیش سختگیرانه‌ای را در پیش می‌گیرد. مالزی در سال‌های اخیر بودجه مازاد قابل ملاحظه‌ای داشته و تنها گاهی هزینه‌های عمرانی بیش از مازاد جاری بوده است. این روش محتاطانه در زمینه درآمدها، از طریق ضریب پس انداز مالزی که در منطقه، پس از سنگاپور در مقام دوم جای دارد، تقویت می‌شود. در حالی که سرچشمه‌های مالی تورم عموماً تحت کنترل نگهداشته شده است، در اقتصاد واقعی، فشارهای تورمی خطیری وجود دارد. رشد شتابان مستمر موجب بروز کمبودها، پاره‌ای عدم‌کارایی‌ها و افزایش واردات شده است. دولت مایل نیست اقدامات ضد تورمی بیشتری در پیش گیرد زیرا از آن بیم دارد که چنین اقداماتی نرخ بالای سرمایه‌گذاری خصوصی را به مخاطره افکند که هم برای تداوم رشد اقتصادی در حال حاضر و هم برای تأمین گسترش ظرفیت جهت تداوم رشد غیر تورمی در آینده لازم است. از

سوی دیگر دولت هنوز برای گسترش ظرفیت متناسب جهت برآوردن تقاضا، اقدام کافی صورت نداده است اما اقداماتی همچون ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری و اجرای برنامه‌های آموزش مهارت‌ها را آغاز کرده است. دولت خط مشی‌های کلی اقتصادی و عمرانی خود را در چارچوب برنامه‌های پنجساله اجرا می‌کند و سرمایه‌گذاری مستقیم و مدیریت پروژه‌های صنعتی راهبردی همچون ایجاد نخستین اتومبیل ملی موسوم به «پروتون» را خود بر عهده گرفته است. دولت، راهبرد منسجمی را که متناسب با منابع و اهداف صنعتی اش باشد، با مشارکت بخش خصوصی و عمومی به اجرا در نیاورده است گر چه اختیارات قابل ملاحظه‌ای که در مورد سرمایه‌گذاری صنعتی دارد، توانایی این کار را به او می‌دهد. در رابطه با کنترل قیمت‌ها، قیمت‌های برنج و برخی از سایر اقلام غذایی به‌طور مستقیم توسط دولت کنترل می‌شود و شماری از تولیدات صنعتی نیز به درجات متفاوت، مشمول کنترل می‌باشند. قیمت سیمان چندین سال است که ثابت نگهداشته شده و دولت به تقاضاهای مطرح شده برای افزایش آن، ترتیب اثر نداده که این موجب کاهش سرمایه‌گذاری شده است و پروژه‌های بزرگ می‌توانند با تقاضای پروانه واردات از خارج، از اثرات ناشی از کمبودهای پدید آمده، بگریزند. قیمت‌های اتومبیل نیز تحت نظارت است اما معمولاً به تولیدکنندگان اتومبیل اجازه داده می‌شود که برخی از افزایش هزینه‌ها را به مشتری منتقل کنند.

ی) مشکلات راهبرد توسعه مالزی

راهبرد توسعه مالزی مشکلاتی نیز به همراه داشته است. بدهی‌های خالص خارجی مالزی پایین است اما خروج سودهای ناشی از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به صورت یک قلم بزرگ بدهکاری در حساب جریان‌های نامرئی سرمایه در مالزی درآمده است. مشکلات جدی تر ناشی از آن است که بسیاری از صنایع صادراتی که از رشد خوبی برخوردارند، محتوای وارداتی بالایی دارند. تأثیر این وضعیت بر جایگاه بازرگانی و بر عملکرد اقتصادی، دارای اهمیت فزاینده است. چند عامل رشد بالای اقتصادی و ثبات ناشی از تورم نسبتاً پایین، مالزی را تهدید می‌کنند. از جمله این عوامل؛ کمبود نیروی کار به خصوص نیروی کار ماهر، تداوم کسری حساب جاری، و وابستگی شدید رشد اقتصاد مالزی به سرمایه‌گذاری خارجی است.

گفتار چهارم: توسعه سیاسی

همچنان که اشاره شد، مالزی از نظر ساختار سیاسی، کشوری مبتنی بر پادشاهی مشروطه است که حکومتی پارلمانتاریستی دارد. رئیس حزب یا رئیس ائتلاف برنده در انتخابات، رئیس دولت است و قدرت اصلی را در دست دارد. پادشاه و سلاطین ایالتی، مقاماتی تشریفاتی و دارای اختیارات بسیار محدود و مشخص هستند. بنابراین حکومت فدراسیون مالزی، پادشاهی مشروطه انتخابی است. پادشاه مالزی توسط شورای پادشاهان (متشکل از سلاطین ۹ ایالت مالزی) انتخاب می‌شود. پادشاه برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شود. عنوان روسای سایر ایالات، سلطان است. هر سلطان در ایالت خود رئیس ایالت محسوب می‌شود و البته قدرت او محدود است. سلطان، رئیس تشریفاتی ایالت و رئیس مذهب اسلام در داخل ایالت و نگهبان سنت‌های مالایو است. قدرت سلطان و خانواده او از حق کنترل دولتی بر زمین سرچشمه می‌گیرد زیرا در هر ایالت، بخش بزرگی از زمین‌ها تحت مالکیت و کنترل سلطان است.

پادشاه مالزی رئیس کشور است و طبق قانون اساسی، نخست وزیر را با تصویب پارلمان منصوب می‌کند. انتصاب قضات دادگاه فدرال و دادگاه‌های عالی، به پیشنهاد نخست وزیر و تصویب پادشاه صورت می‌گیرد. فرماندهی کل قوای مسلح نیز با وی می‌باشد. او حق امضای عناوین افتخاری را داشته و سفرای خارجی را می‌پذیرد و نیز از حق عفو و بخشش برخوردار است. همچنین پادشاه حق انحلال پارلمان را حتی بدون پیشنهاد نخست وزیر دارد. نخست وزیر نیز رئیس دولت بوده و مسوولیت امور کلی کشور اعم از امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره را به عهده دارد. او مسوول ایجاد ارتباط بین پادشاه و تشکیلات کشوری است. نخست وزیر طبق قانون اساسی باید متولد مالزی و عضو مجلس نمایندگان، و از رأی اکثریت مجلس برخوردار باشد و تمام وزرای کابینه را از بین اعضای مجلس نمایندگان یا مجلس سنا انتخاب نماید. پیشنهاد انتصاب قضات عالی و مقامات عالی‌رتبه کشور نیز از طرف وی به پادشاه صورت می‌گیرد. طبق قانون اساسی مالزی، قوه مقننه یا پارلمان فدرال شامل دو مجلس قانونگذاری (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) می‌باشد. پارلمان فدرال بالاترین مرجع قانونگذاری می‌باشد که دوره آن پنج سال است (مسائلی، ۱۳۷۵: ۱۹۰-۱۸۸).

همچنان که در بالا مطرح شد، نظام پادشاهی مشروطه و تکثر و توزیع قدرت سیاسی در مالزی، یک گام به سوی دموکراسی است. از سوی دیگر ساختار قومی و مذهبی این کشور نیز بیانگر مصالحه و کنش مسالمت‌آمیز بین اقوام و مذاهب گوناگون، بدون درگیری خشونت‌آمیز است. مالزی کشوری چند نژادی است. در مرکزیت تصمیم‌گیری سیاسی این کشور، رقابتی میان مالایایی‌ها و دیگر اقوام از جهت مطالبه حقوق سیاسی برابر و حق خودمختاری برای زبان بومی و فرهنگ شان به چشم می‌خورد. همچنان که ملاحظه شد، جمعیت بومی مالزی مشتمل بر مالایایی‌ها و نیز مهاجران چینی و هندی است که معرف نژادهای آسیای جنوبی و شرقی هستند ولی فرهنگ و زبان مالزیایی از زمان سلطه انگلیسی‌ها در آن کشور، در جهت گرایش‌های نژادی سامان یافته است. دوره سلطه بریتانیا بر مالزی هرگز نشانگر ایجاد مستعمره نبود، بلکه اساس کنترل این سرزمین توسط بریتانیا، ایجاد معاهدات و موافقتنامه‌هایی با حاکمان مالایایی بود که بر اساس آن، یک افسر انگلیسی در همه امور به غیر از مذهب و سنت مالایایی نظارت می‌کرد و نظام حمایتی طبق همین روش ایجاد شد که ترتیبات حاصل از آن، حکومت حاکمان مالایایی را به رسمیت شناخته و قلمرو حکومت آنان را کشور می‌دانست که مجموع کل این ایالات، حکمروایی کشور مالایا را تشکیل می‌داد. غیرمالایایی‌ها که تحت حکومت به سر می‌بردند، به عنوان بیگانگان تلقی می‌شدند. در دوره استعمار، مالایا بیشتر به‌عنوان منطقه جذاب تجاری تلقی می‌شد تا یک کشور، و بنا بر این مهاجران غیر مالایایی نیز به‌عنوان کارگر، صنعتگر و تاجر محسوب می‌شدند، یعنی همه افرادی که وجودشان برای پیشبرد سرمایه‌داری غربی و منافع تجاری ضروری بود و تا زمانی که تهدیدی برای حاکمیت انگلیس نداشتند و یا در امور مربوط به قلمرو مالایا مداخله نمی‌کردند، اجازه داشتند به زندگی خود ادامه دهند. انگلیس هیچ مسئولیت ویژه‌ای در قبال آنها نداشت و در نتیجه، آنها نیز علاقه‌ای به حقوق سیاسی و وضعیت اجتماعی نداشتند. نتیجه این بافت سیاسی آن بود که تا قبل از جنگ جهانی دوم، سرزمین مالایایی‌ها توسط خودشان اداره می‌شد و دولت بریتانیا حاکمان مالایایی را به رسمیت می‌شناخت و موقعیتی خاص برای آنها منظور کرده بود. در چنین شرایطی مهاجران مالزی که هیچ‌گونه حقوق سیاسی نداشتند، روابط نزدیکی با کشورهای اصلی خود برقرار کرده و طبیعتاً سیاست‌های کشور چین و هند بر آنها تأثیر می‌گذاشت و از این رو، حزب کمونیست چین و کنگره ملی هند طرفداران و اعضای بی‌شماری

در مالایا داشت. پیدایش احزاب سیاسی در مالزی مربوط به دوره بعد از جنگ جهانی دوم است یعنی زمانی که انگلیس اعلام کرد قصد ایجاد اتحادیه مالایایی را دارد (همان، ۲۰۶-۲۰۵). به این ترتیب، مرکزیت مالزی در جنوب شرقی آسیا از نظر جغرافیایی باعث شد تا اقوام مختلفی به تدریج به مالزی مهاجرت کنند و تنوع خاصی به ترکیب جمعیتی آن بدهند. علاوه بر نژاد مالایو که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و غالباً مسلمان هستند، تعداد بی‌شماری چینی و سپس گروه‌های دیگر هندی از قرن نوزدهم به دلیل منافع اقتصادی و نیازهای استعمار انگلیس، به این کشور مهاجرت کرده‌اند. اقلیت‌های نژادی دیگری هم به مالزی مهاجرت کرده‌اند که از جمله می‌توان بنگالی‌ها، پاکستانی‌ها، و عرب‌ها را نام برد. بنابراین مالزی از کشورهایی است که خصیصه چند نژادی دارد (همان، ۲۱).

در آغاز تشکیل کشور مالزی در دهه ۱۹۵۰، بر اساس یک سیاست غیرمدون، بنا بر این بود که مالایوها دارای قدرت سیاسی اصلی باشند و چینی‌ها قدرت اقتصادی را در دست گیرند. این طرح از سوی هیچ کدام از گروه‌های نژادی مورد قبول واقع نشد زیرا هم مالایوها خواستار کسب قدرت اقتصادی بیشتر بودند و هم چینی‌ها قدرت سیاسی افزون تری را طلب می‌کردند. ادامه این کشمکش‌های قومی باعث شد مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۶۹ به شورش‌های گسترده‌ای منجر شود و دولت وقت به حال تعلیق درآید. پس از این شورش‌ها، سیاست نوین اقتصادی تدوین شد تا انحصار فعالیت‌های اقتصادی به یک نژاد خاص از میان رفته و فقر ریشه کن شود. بر اساس این سیاست، باید تا پایان سال ۱۹۹۰ مالایوها و سایر گروه‌های بومی حداقل ۳۰ درصد از کل مدیریت و مالکیت فعالیت‌های بازرگانی و صنعتی کشور را در اختیار می‌گرفتند (همان، ۳۸-۳۷).

بنابراین، مهم‌ترین رویداد دوره پس از استقلال در سال ۱۹۶۹، زمانی رخ داد که آشوب‌های نژادی به یکباره در پایتخت (کوالالامپور) بالا گرفت. مردم دسته دسته بر اثر خشونت نژادی کشته شدند. نهادهای دموکراتیک موقتاً برای نظم بخشیدن به کشور، منحل شدند و اقتدار کامل به «شورای عملیات ملی» واگذار شد. بدیهی بود که بازگشت به قانون پارلمانی فاجعه به بار می‌آورد، مگر آن که تغییراتی عمده در سیاست مالزی رخ دهد. برای حفظ ثبات، چندین قانون به تصویب رسید که حقوق مالزیایی‌ها را محدود می‌کرد. این قوانین، حقوق ویژه‌ای برای مالایی‌ها در بر داشت و از گفت و گو درباره مسائل حساس از قبیل امتیازات ویژه حکمرانان

مالایی و جایگاه رسمی زبان آنان جلوگیری می کرد. بار دیگر در سال ۱۹۷۱، حکومت پارلمانی تعدیل یافته‌ای در مالزی به قدرت رسید. ثبات سیاسی تجدید شد و یک جبهه متحد تازه به نام «جبهه ملی» مرکب از احزاب مهم سیاسی پدید آمد. جبهه ملی مرکب از احزاب عمده سیاسی مالایایی، چینی و هندی بود و در همه دوره‌های انتخاباتی در سال‌های پس از آن، پیروز شد. در سال ۱۹۸۱ ماهاتیر محمد اولین نخست وزیر بود که از میان مردم عادی برگزیده شد و هیچ ریشه‌ای در طبقه اشراف سنتی نداشت. او به صورت نماد نیرومند فن سالاران (تکنوکرات‌های) مالزیایی نوین درآمد (نهر، ۱۳۸۵: ۱۱۸۹).

از دیدگاه ماهاتیر محمد، آزادی در حمایت مردم از وی خلاصه می‌شود. ماهاتیر ضمن انتقاد از غرب به خاطر دخالت‌هایش در امور کشورهای آسیایی، معتقد است آسیا و مالزی حق دارند تا زمانی که از پشتیبانی مردم برخوردارند، راه خود را بروند. اگر طرفداران دموکراسی و حقوق بشر به آنچه تبلیغ می‌کنند، باور دارند، در این صورت غیردموکراتیک خواهد بود که برای پذیرش نظام و یا سیاستی که به آن باور دارند، از قدرت، از جمله فشارهای اقتصادی بر کشورهای دیگر استفاده کنند. به نظر ماهاتیر، در حالی که در اروپا و آمریکا چیزهای خوبی برای پیروی و تقلید کردن وجود دارد، باید کشورهای شرق برای تصمیم‌گیری در مورد آنچه می‌خواهند تقلید کنند، آزادی داشته باشند. آنهایی که به آزادی، حقوق بشر و دموکراسی معتقدند باید به این کشورها اجازه دهند تا بین صلح و دستاوردهایی که نصیب شان شده است، تعادلی برقرار کنند. آنها باید دارویی را که تجویز می‌کنند، خود به کار بندند تا بتوان نمونه خوبی در میان آنهایی که این موارد را تبلیغ می‌کنند، یافت.

ماهاتیر بین دموکراسی و حقوق بشر تفاوت قایل است. او دموکراسی را مهمتر از حقوق بشر می‌داند. غربی‌ها هر وقت بخواهند موافقت آسیایی‌ها را به دست آورند، از زور استفاده می‌کنند. آنها از زور استفاده می‌کنند تا حقوق بشر را نگاه دارند، ولی کار اندکی برای کاهش فقر انجام می‌دهند. در حالی که کاهش فقر در کاهش سوء استفاده از حقوق بشر مؤثر است. او این قضیه را دموکراتیک نمی‌داند (توکلی، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۱).

ماهاتیر محمد در پاسخ به انتقادات زیادی که از وی در مورد اعمال محدودیت در مطبوعات، عدم استقلال در دادگاه‌ها، و طرز برخورد وی با مخالفانش می‌شود، می‌گوید:

«من مطبوعات و رسانه‌ها را مورد انتقاد قرار داده‌ام. بعضی از این سازمان‌ها غیردولتی هستند و من از آنها انتظاری ندارم که چیزهای خوبی از من بگویند. برای من هم مهم نیست که در مورد من چه می‌گویند. آنچه مهم است این است که مردم مالزی به من اعتماد دارند. هر بار با انتخابات رو برو بودم، آن‌ها به من رأی داده‌اند تا در قدرت باقی بمانم. من تاکنون پنج انتخابات را دیده‌ام» (همان: ۶۳).

ماهاتیر اعتقاد دارد که آزادی مطبوعات در کشورش وجود دارد و دلیل آن را وجود دو نشریه بین‌المللی می‌داند که معمولاً به‌طور مرتب نسبت به کنترل دولت وی بر مطبوعات، انتقاد می‌کنند. همچنین در مالزی نشریاتی وجود دارند که دولت را مورد انتقاد قرار می‌دهند و محکوم می‌کنند.

ماهاتیر جوامع اقتدارگرای کره جنوبی و تایوان را به‌ویژه شایسته رقابت می‌دانست. به اعتقاد او، رهبری اقتدارگرا برای مالزی در مرحله توسعه، کارآمدتر از حکومت دموکراتیک به شیوه غربی است. موفقیت این برنامه‌ها، اقتصاددانان را بر آن داشت تا پیش‌گویی کنند که مالزی به‌عنوان بیر پنجم در آینده نزدیک، کشور صنعتی شده بعدی خواهد بود که به جمع کشورهای سنگاپور، تایوان، کره جنوبی، و هنگ‌کنگ خواهد پیوست.

در دوره زمامداری ماهاتیرمحمد، قوم‌گرایی همچنان مساله اصلی بود. این امر به ویژه بر اثر شورش بنیادگرایان اسلامی بود که خواستار دولت اسلامی بودند. اما رشد اقتصادی چشمگیر در بیشتر بخش‌ها در دوره زمامداری ماهاتیر، بستر آرامی برای حکومت مالزی فراهم کرد. تنش‌های قومی نیز در سطح پایینی باقی ماندند زیرا مردم دریافتند که در این صورت نیازهایشان برآورده خواهد شد (نهر، ۱۳۸۵: ۱۱۸۹).

در عین حال، به نظر برخی کارشناسان سیاسی، ماهاتیر محمد اگر چه یک دموکرات نیست، اما انتخابات برگزار می‌کند، هر چند روش او به گونه‌ای است که با معیارهای دموکراسی انطباق ندارد و رسانه‌های گروهی، آزاد و مستقل نیستند. اما ماهاتیر دیکتاتور هم نیست گرچه بعضی‌ها او را دیکتاتوری ملایم می‌دانند. او هیچگاه از ارتش و شیوه‌های پلیسی جهت تحکیم قدرت خود استفاده نکرد و حتی از دیدگاه برخی، ماهاتیر ممکن بود بیش از حد جهت کنترل قدرت‌های اجرایی و بررسی و تعادل نهادها اعمال قدرت کند، اما توانست حمایت گسترده مردم را به دست آورد و مالزی را از یک کشور عمدتاً کشاورزی به کشوری توسعه یافته از لحاظ

فن‌آوری و دانش برساند. تحت رهبری ماهاتیر محمد، مالزی یکی از با ثبات‌ترین کشورهای آسیا شد. هیچ کودتا و درگیری خونینی در این کشور چند قومی مشاهده نشد. همان‌طور که دوره طولانی نخست‌وزیری ماهاتیر محمد از لحاظ تحولات سیاسی و اقتصادی شگفت‌آور بود، شیوه کنار رفتن او هم از رویدادهای غیرمنتظره بود. او در بیست و دوم ماه ژوئن سال ۲۰۰۲ در نشست پایانی سالانه حزب آمنو، پس از یک ساعت سخنرانی اعلام نمود که می‌خواهد خبر مهمی را به اطلاع برساند. آن خبر اعلام کناره‌گیری او از همه سمت‌ها و پست‌های دولتی و حزبی بود. با اعلام و پخش آن از تلویزیون ملی مالزی، فضایی از بهت و ناباوری در سالن مرکزی اجتماعات حزب آمنو که ماهاتیر در آن سخنرانی می‌کرد و نیز در کل کشور، ایجاد شد. این خبر نه تنها برای مردم مالزی شگفت‌آور بود بلکه حتی برای اعضای خانواده و نزدیکان وی در حزب نیز تکان دهنده بود. ماهاتیر سخنرانی خود را تمام نکرد و احساسات بر او غلبه کرد. اعلام استعفای ماهاتیر در حال اشک ریختن، صحنه‌ای دور از انتظار و برای خیلی‌ها مشکوک بود. او توسط مقامات حزب احاطه شد و سپس به اتاق پشت جایگاه منتقل گردید. وی در حالی که در یک صندلی فرو رفته بود و بی‌امان‌گریه می‌کرد، در مقابل اطرافیان خود که ناباورانه از او می‌خواستند که بگوید که این حرف را جدی نگفته است، مرتب می‌گفت من تصمیم خود را گرفته‌ام. پس از اصرار رفقای حزبی‌اش، بالاخره راضی شد در تصمیم‌اش تعدیلی به‌عمل آورد و یک فرصت برای انتقال قدرت بدهد. عبدالله احمد بداوی به سالن برگشت تا به حضاری که همچنان در غم و حیرت فرو رفته بودند، این خبر را بدهد و بگوید ماهاتیر خودش با شما سخن خواهد گفت. اما ماهاتیر دیگر به سالن برگشت. فردای آن روز از یک مرخصی دو هفته‌ای استفاده کرد و به ایتالیا مسافرت نمود. در بیست و پنجم ژوئن، حزب آمنو اعلام داشت که ماهاتیر محمد متقاعد شده است که تا اکتبر سال ۲۰۰۳ بر سر قدرت باقی بماند تا شرایط برای انتقال قدرت فراهم آید. مراسم انتقال قدرت به عبدالله احمد بداوی در روز جمعه ۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۳ در قصر ملی در حضور پادشاه مالزی انجام شد. در این مراسم با شکوه، ماهاتیر مفتخر به دریافت جایزه «سری مهارجا منگو نگارا»، عالی‌ترین نشان سنتی مالزی گردید. موقعی که ماهاتیر از پست نخست‌وزیری کنار رفت، تحلیلگران غربی نمی‌توانستند دیگر او را دیکتاتور بنامند، چون هیچ دیکتاتوری داوطلبانه قدرت را رها نمی‌کند (توکلی، ۱۳۸۴: ۵۱-۵۰).

به طور کلی، پذیرش الگوی حکومت انگلیسی در دوره پس از استقلال توسط مالزی، زمینه ساز حرکت به سوی مولفه‌های دموکراسی در این کشور شد. این الگو شامل رقابت انتخاباتی منظم، پارلمان نمایندگی، تفکیک قوا، برتری غیر نظامیان، و آزادی‌های مدنی بود. این گزینش شایان توجه است زیرا نخبگان مالزی را بر آن می‌دارد تا دیدگاهی قالب‌بندی شده از دموکراسی اختیار کنند که هنگام رویارویی با ارزش‌های جا افتاده و عمیق تر، فرو می‌ریزد. برای نمونه ثبات و امنیت مقدم بر ارزش‌های دموکراتیک اند. مالزی از لحاظ دستیابی به دموکراسی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی کامیاب‌ترین کشور آسیای جنوب شرقی است. شرایط ضروری برای شکوفایی دموکراسی در مالزی از نظر برخی صاحب‌نظران به مقدار زیادی موجود هستند. حتی یک بار در تاریخ این کشور از زمان استقلال پیش نیامده است که ارتش یا پلیس آن طور که در کشورهای همسایه پیش می‌آمده، در امور سیاسی دخالت کنند. از این نظر، دموکراسی در مالزی ریشه‌های عمیق و مستحکمی دوانده است. آشکارا ملاک دیگری برای موفقیت سازمان‌های دموکراتیک - یعنی عدم وجود کنترل خارجی - موجود است. شرایط مطلوب برای دموکراسی در مالزی شامل رشد حیرت انگیز اقتصاد مالزی در چند دهه اخیر می‌باشد و همچنین باز شدن پنجره‌های جامعه مالزی به روی دنیا در زمینه‌های مسافرت، تحصیل، تجارت و ارتباطات. البته بر فراز کل مسئله سازمان‌های دموکراتیک، مبارزه طلبی اقوام مالزی و تنش‌هایی که بر روابط آن با مالایا، چین، هندوستان و مردم بومی غلبه داشت، قابل ذکر است. شرایط قبلی به نفع سازمان‌های دموکراتیک هستند، شرایط اخیر برای سازمان‌های استبدادی مناسب اند، رژیم سیاسی در مالزی نه کاملاً دموکراتیک است نه کاملاً استبدادی اما عناصری از هر دو را در خود دارد (وود، ۱۳۸۴: ۱۲۴-۱۲۳).

در عین حال، به نظر می‌رسد ترکیب و تنوع مذهبی و قومی در مالزی نهادینه و از سوی مردم پذیرفته شده است. به عبارت دیگر هرچند اسلام به‌عنوان دین رسمی اعلام شده است، اما سایر ادیان نیز پذیرفته و موقعیت تثبیت شده، دارند. به گونه‌ای که اماکن عرضه مواد غذایی خاص، معابد عمومی و خصوصی برای عبادت و مدارس هر یک از آنها مطابق با آداب و رسوم مذهبی وجود دارند و احترام متقابل مذهبی وجود دارد. در زمینه اقوام نیز این مسئله قابل توجه است، چرا که این کشور با داشتن تنوع قومی بسیار زیاد، در حال حاضر دارای بحران هویت ملی و قومی نیست. همه از مالایی‌ها گرفته تا چینی‌ها، هندی‌ها و سایر مهاجرین، به

هویت مالزیایی خود افتخار می‌کنند. بی تردید تسامح و تساهل سیاسی و اعتقادی در این زمینه نقش موثر داشته‌اند. و همچنان که اشاره شد، تثبیت موقعیت سیاسی و اجتماعی مالزی، عامل مهمی در توسعه اقتصادی این کشور بوده و می‌رود تا این کشور را در رده‌ی قدرت‌های اقتصادی جهانی قرار دهد.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر مالزی اولین کشور پیشرفته اسلامی و هفدهمین کشور پیشرفته جهان است. این کشور در دوره قبل از جنگ جهانی دوم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت استعمار انگلستان و ژاپن قرار داشت. فرایند توسعه مالزی از دهه ۱۹۷۰ میلادی شروع شد. یکی از پارامترهای اصلی توسعه در این کشور؛ مدیریت کلان اقتصادی این کشور به‌ویژه در شش دوره نخست وزیری ماهاتیر محمد (۲۰۰۳-۱۹۸۱) می‌باشد. توسعه مالزی در قالب برنامه‌های کوتاه مدت (پنج‌ساله) و بلند مدت (چشم‌انداز ۳۰ ساله) امکان‌پذیر شده است. راهبرد توسعه مالزی در چارچوب یک دوره کوتاه‌جایگزینی واردات و سپس انتخاب راهبرد توسعه صادرات امکان‌پذیر شده است. آزادسازی، خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری خارجی عوامل اصلی تداوم توسعه در مالزی در دهه‌های اخیر بوده است. برخی از عمده‌ترین مشکلات توسعه در مالزی عبارتند از: بدهی‌های خارجی، حجم زیاد سرمایه‌گذاری خارجی، کمبود نیروی کار ماهر، وابستگی تکنولوژیکی به خارج. پذیرش تنوع و تکثر اجتماعی - اقتصادی از سوی مردم و نیز روحیه تساهل و تسامح حاکم بر جامعه، از یک سو موجب تداوم ثبات سیاسی و از سوی دیگر موجب استمرار پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی در این کشور شده است. بنابراین، تداوم توسعه سیاسی و رشد اقتصادی به‌طور توأم فراهم شده است.

فهرست منابع

الف) فهرست فارسی

برادران شرکاء، حمیدرضا (۱۳۸۸). چشم‌انداز استراتژیک کشورهای مسلمان. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک - مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- برادران شرکاء، جعفری، حمیدرضا و آمنه و کاویانی فر، محبوبه (۱۳۸۷). چشم‌انداز ۲۰۲۰ (گزارش پژوهش‌های اقتصادی)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات اقتصادی.
- وود، آلن.ت (۱۳۸۴). *دموکراسی‌های آسیایی*، ترجمه زهرا زهرایی. تهران: امیرکبیر.
- توکلی، محمدکاظم (۱۳۸۶). *ماهاتیر محمد: معمار مالزی نوین*. تهران: هزاره ققنوس.
- جعفری، عباس (۱۳۸۴). *گیتاشناسی کشورها*. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- حسن زاده، محمد (۱۳۸۶). *استراتژی کاهش فقر: تجربه کشورهای شرق آسیا*. تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- شاهنده، بهزاد (۱۳۷۴). *سیاست و حکومت در آسیای جنوب شرقی*. تهران: سمت.
- فیضی، سیروس (۱۳۸۷). *سیاست خارجی توسعه گرا: الگوی مالزی*، در: مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه گرا، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- محمد، ماهاتیر (۱۳۷۸). *در جستجوی فقر یا ملک سلیمان*، ترجمه محمد سوری. تهران: سیمین.
- (۱۳۸۶). *جهانی که در آن به سر می‌بریم*، ترجمه محسن پاک‌آیین. تهران: انتشارات اطلاعات.
- (۱۳۸۸). *از هیچ به اوج*، ترجمه محمدرضا رضایی‌پور. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- (۱۳۸۳). *چالش: دیدگاه‌ها و تفکرات مهاتیر محمد درباره توسعه و تحول*، ترجمه سعید علی‌میرزایی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.
- مسائلی، محمود (۱۳۷۵). *مالزی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- موسوی، سیدحسین (۱۳۷۸). *مالزی از دیروز تا امروز*. تهران: مسمی.
- نهر، کلارک. دی (۱۳۸۵). *مالزی*، در: *دائرة المعارف دموکراسی (جلد سوم)*، زیر نظر سیمور مارتین لیپست، سرپرستان ترجمه فارسی کامران فانی و نورالله مرادی. تهران: وزارت امور خارجه.
- نیزبیت، جان (۱۳۸۵). *آسیا به کجا می‌رود؟*، ترجمه ناصر موفقیان. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵.

ب) فهرست انگلیسی

- Milne, R.S. and Diane K. Mauzy (1999). **Malaysian Politics Under Mahatir**. New York - London: Routledge.
- Teik, Khoo Boo (2004). **Beyond Mahatir: Malaysian Politics and Its Discontents**. London: Zed Book.

- Teik, Khoo Boo (2003). **Paradoxes of Mahathirism: An Intellectual Biography of Mahatir Mohamad**, 2nd ed. Kuala Lumpur, Malaysia: Oxford University Press.
- Thomas M. Leonard (2006). **Encyclopedia of the Developing World**. New York - London: Rutledge.
- World Bank (1993). **The East Asian Miracle: Economic Growth and Public Policy**. New York: Oxford University Press.
- World Bank (1989). **Malaysia: Matching Risks and Rewards in a Mixed Economy**. Washington, DC.
- World bank (2010). **World Development Report: Development and Climate Change**. Washington DC.
- UNDP (2009). **Human Development Report: Overcoming Barriers: Human Mobility and Development**. Palgrave Mac Millan.